

أَيُّهَا النَّاسُ مَوَكِّبٌ * صَاحِبِ الْجَلَالَةِ * «فَارُونَ» الْمُعَظَّمِ فِي الطَّرِيقِ ... ائْبَعِدُوا! * ائْبَعِدُوا!

– اَللّٰهُمَّ خَلِّصْنَا مِنْ شَرِّ
هَذَا الطَّاغُوتِ!



– يَا لَيْتَ * لَنَا ثَرَوَةَ قَارُونَ ...!

– اُنْظُرُ ... لَقَدْ خَرَجَ قَارُونَ
فِي زِينَتِهِ!

– إِنَّهُ شَرُّ مَخْلُوقٍ!

– أَخِي! مَا الْفَائِدَةُ فِي ثَرَوَةٍ وَّرَاءَ هَالِعْنَهُ
النَّاسِ؟! إِنَّهُ كَافِرٌ بِنِعْمَةِ اللَّهِ.





– علينا أداء الواجب ... نَحْنُ
مُبَشِّرُونَ و مُنذِرُونَ ...



– علينا الذهبُ إلى قارون!

– هل يُقبَلُ النَّصِيحَةُ؟!

– لا ... لا ... معلومٌ ... هو رجلٌ مُتَكَبِّرٌ.



في قصر قارون

– ماذا تَطْلُبُونَ؟

– الأَمْرَ بالمعروفِ والنَّهْيِ عن المُنْكَرِ.



أنتم المؤمنون بدين موسى!...
أيها الحارس!
إدفع لهم ديناراً من الذهب ... هم فقراء ...



– يا قارون ...

– يا قارون! أَحْسِنِ إِلَى الْفُقَرَاءِ و
الْمَساكِينِ و الْمَظْلُومِينَ!



— إِنَّكَ سَتُشَاهِدُ جَزَاءَ عَمَلِكَ.



— ماهذه الكلمات؟!
— أخرجوا. أتركوا
فَصْرِي.

— أنتم مُفْسِدُونَ.



لا، لا تَطْلُبُ الْمَالَ.
وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ* الدَّهَبَ* و
الْفِضَّةَ* ولا يُنْفِقُونَهَا* في سبيلِ
اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ*.



— أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى
قَارُونَ الْعَذَابَ.



— ماذا حَدَّثَ؟



الْفِرَارَ،
الْفِرَارَ!

— هذه عاقبة
المُكذِّبِينَ!



بَعْدَ أَشْهُرٍ

— سَمِعْتُ أَنَّ مُوسَى (ع)
دَعَا قَارُونََ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ.

— نعم، ولكن هو كافرٌ بدينِ
المُرسلينَ.



الْتَّجِدَةَ*!

سَأَنْفِقُ أَمْوَالِي.
سَأُسَاعِدُ الْفُقَرَاءَ.

لَوْلَا* حِينَ مَنَاصِي*!

وهكذا أَبْتَلَعَتْهُ* الأَرْضُ وَدَهَبَتِ الرِّينَةُ وَالمَوْكِبُ وَالفُصُورُ. وَأَصْبَحَ قَارُونَُ عِبْرَةً لِلْأَجْيَالِ*.



در جهان خلقت با پدیده‌هایی مواجه هستیم که «فعل» انسان‌ها و کار آن‌ها در ایجاد آن دخالت نداشته و از این لحاظ استقلال دارند؛ از قبیل آن‌چه در تصویر اول ملاحظه می‌کنیم.



اما بسیاری از اشیا و پدیده‌ها در جهان آفرینش توسط انسان‌ها ایجاد شده‌اند و «فعل» او در ایجاد پدیده‌ها دخالت داشته است. او به کمک مواد و اشیاء مختلف و ترکیب آن‌ها و کنار هم قراردادن آن‌ها توانسته به کمک قدرتی که خداوند در او نهاده، پدیده‌های جدیدتری را درست کند. از قبیل آن‌چه در تصویر دوم ملاحظه می‌کنیم.

در عالم کلمات نیز چنین فرضی دور از تصور نیست. کلماتی که از خود استقلال دارند و از کلمه‌ی دیگری درست نشده‌اند و کلماتی که از کلمه‌ی دیگری درست شده‌اند و بدین خاطر از خود استقلال ندارند!

توجه داشته باشیم که :

در عالم کلمات واژه‌هایی داریم که تغییر یافته‌ی کلمه‌ی دیگری هستند؛ مانند : **کاتب**، **مکتوب**، **مکتب** و ...

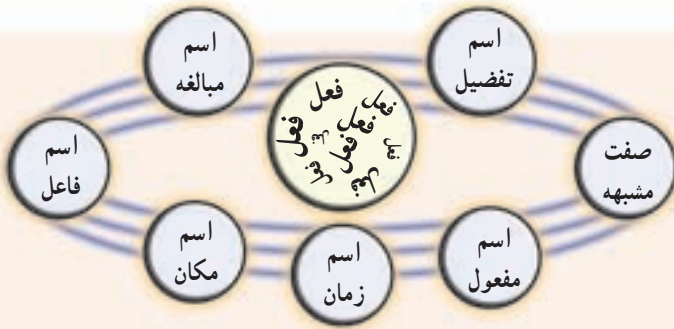
و در مقابل کلماتی داریم که در ایجاد آن فعل و انفعالاتی صورت نگرفته و به عبارت دیگر از کلمه‌ی دیگر گرفته نشده‌اند؛ مانند : **شمس**، **بحر**، **جبل**، **سحاب**

مفاهیم موجود در قواعد هر درس را در عالم طبیعت جستجو کنیم!

کلماتی مانند **جبال**، **بحار** و ... تنها از لحاظ لغوی اشتقاق یافته‌اند اما جزء مشتقات اصطلاحی نیستند!

«اسم» ها یا از کلمه‌ی دیگری گرفته شده‌اند که به آن اسم «مشتق» می‌گوییم و یا از کلمه‌ی دیگری گرفته نشده‌اند که به آن اسم «جامد» می‌گوییم!

در این کتاب با هفت نوع از مشتقات (در اصطلاح علم صرف) آشنا می‌شویم.



أما ...

مزید

یا

مجرد

نکته اول «اسم فاعل» فعل های مجرد بر وزن «فاعل» می آید.

فعل	فاعل
نَصَرَ	ا
كَتَبَ	ا

اسم فاعل از فعل «نَصَرَ»

می شود: ...!

و از فعل «كَتَبَ» می شود: ...!

بنابراین

نکته دوم «اسم مفعول» در فعل های مجرد بر وزن «مفعول» می آید.

فعل	مفعول
نَصَرَ	م
كَتَبَ	م

اسم مفعول از فعل «نَصَرَ»

می شود: ...!

و از فعل «كَتَبَ» می شود: ...!

بنابراین

حال از خود سؤال کنید:



۱- آیا اسم های جامد از فعل گرفته می شوند؟

۲- بحث جامد و مشتق در اصطلاح علم صرف

مربوط به کدام یک از سه قسم کلمه است؟

۳- ملاک جامد یا مشتق بودن کلمات چیست؟

«مشتقات» از اقسام «فعل» به شمار می آیند!

برای ساختن اسم فاعل نیاز به تمرین «وزن کلمات» داریم.

بسم الله! شروع کنیم به تعیین وزن کلمات!



«اسم فاعل» از «فعل» ساخته می شود!

حال از خود سؤال کنید:

۱- حروف زاید اسم «فاعل» و «مفعول» کدام است؟

۲- آیا می توانید چند اسم فاعل عربی نام ببرید که در زبان فارسی نیز به کار می بریم؟

۳- آیا می توانید چند اسم مفعول عربی نام ببرید که در زبان فارسی نیز به کار می بریم؟

۴- آیا می توانید جمع مذکر سالم «عالم»، «ناصر»، «کاتب»، «منصور» را ذکر کنید؟

۵- مؤنث «کاتب»، «عالم»، «مکتوب» و «منصور» کدام است؟



نکته سوم

۱- از فعل مضارع ساخته می شود.

اسم فاعل از ۲- به جای حرف مضارعه، میم مضموم «مُ» می آید:

فعل های مزید: ۳- حرف ماقبل آخر مکسور می شود.

يُعَلِّم ← عَلَّمَ ← مُعَلِّم

نکته چهارم

۱- از فعل مضارع ساخته می شود.

اسم مفعول از ۲- میم مضموم به جای حرف مضارعه آورده می شود.

فعل ثلاثی مزید: ۳- حرف ماقبل آخر مفتوح می شود.

يُرْسِلُ ← رَسَلَ ← مُرْسِلٌ

حال از خود سؤال کنید:

باید به گونه ای ساختن اسم فاعل و اسم مفعول را یاد بگیریم که به محض شنیدن یک فعل مزید بتوانیم فوراً اسم فاعل و اسم مفعول آن را بسازیم.

مسابقه را فراموش نکنیم: فعل بگوییم و اسم فاعل، اسم مفعول بخواهیم، جامد و مشتق بگوییم و تمیز میان آن ها را بخواهیم!



۱- حرف ماقبل آخر در اسم فاعل ثلاثی مزید دارای چه حرکتی است؟

۲- آیا اسم فاعل، مثنی یا جمع دارد؟ مثال بزنید.

۳- آیا می توان اسم فاعل را به صورت مؤنث به کار برد؟ مثال بزنید.

۴- آیا می توانید چند نمونه اسم فاعل از فعل های مزید ذکر کنید؟

۵- آیا می توانید چند نمونه از اسم مفعول را مثنی و جمع کنید؟

۶- آیا می توان اسم مفعول را به صورت مؤنث به کار برد؟ چگونه؟

التدريب الأول

عَيْنُ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ:

١- أَمْرٌ قَارُونَ بِدَفْعِ دِينَارٍ لِأَوْلِيكَ الرَّجَالِ لـ

- الف - تحقيرهم ج - تخويفهم
 ب - مُسَاعَدَتِهِمْ د - تبشيرهم

٢- قَارُونَ ... ، عِنْدَ نُزُولِ الْعَذَابِ .

- الف - سَاعَدَ الْفُقَرَاءَ ج - قَصَدَ الرَّجُوعَ عَنْ كُفْرِهِ
 ب - مَا قَصَدَ مُسَاعَدَةَ الْفُقَرَاءِ د - أَنْفَقَ أَمْوَالَهُ

التدريب الثاني

این حروف چین قصد دارد با استفاده از حروف اصلی پراکنده در هر یک از ردیف‌های جدول به ترتیب اسم فاعل و اسم مفعول معنی داری (به ترتیب شماره) در جاهای خالی قرار دهد، به او کمک کنید تا فرازهایی از دعای «جوشن کبیر» بدست آید:

«یا صانع* کُلِّ مَصْنُوعٍ یا ...»

کُلِّ ... یا ... کُلِّ ...

یا ... کُلِّ ... یا ... کُلِّ ... یا

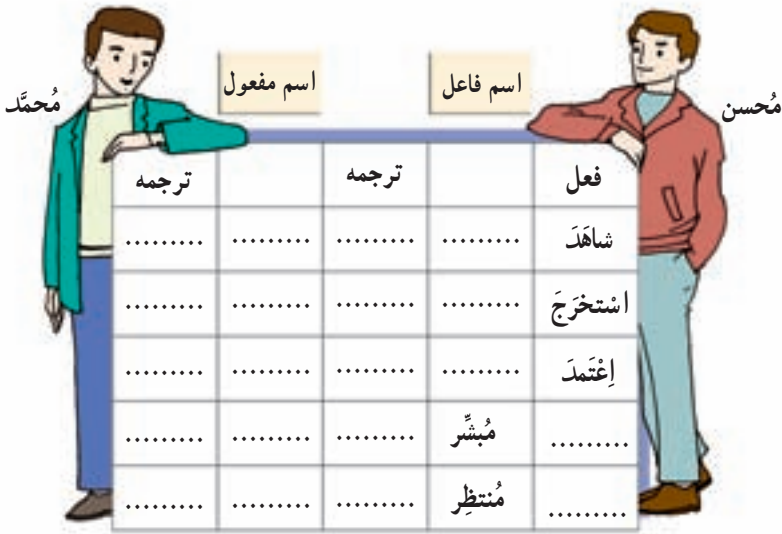
... کُلِّ ...»

(اسم مفعول)  (اسم فاعل)

ل	و	ق	خ	م	ل	ق	خ	۱
ر	و	ق	ز	م	ر	ق	ز	۲
ك	و	ل	م	م	ل	ل	ك	۳
ب	و	ر	ك	م	ك	ك	ش	۴
ب	و	ی	ع	م	ف	ت	س	۵

التدريب الثالث

این دو نفر در کارگاه خود از تابلوی افعال، تعدادی اسم فاعل و اسم مفعول ساخته‌اند. آیا می‌توانید پیش‌بینی کنید که تابلوهای بعدی چگونه خواهد بود و یا تابلوهای ساخته شده، قبلاً چگونه بوده‌اند؟ فراموش نکنید که معنی آن‌ها را نیز بنویسید:



التمرين الرابع

تَرْجِمِ العِبَارَاتِ تَمَّ عَيَّنِ اسْمَ الفَاعِلِ و اسْمَ المَفْعُولِ:

لقد جاء النَّبِيُّ و الدُّنْيَا مَمْلُوءَةٌ* بِالشُّرُورِ* و المَعَاصِي*.
و حَقُوقُ المَحْرُومِينَ مَغْتَصَبَةٌ*، و المُسْتَضْعَفُونَ مِنَ النَّاسِ
مَظْلُومُونَ. فَاصْبِحِ النَّاسَ بِنِعْمَةِ الإِسْلَامِ إِخْوَانًا.

مجرد

مزيد

تَضَرَّعْتُ* إِلَى رَبِّي مُغْتَنِرًا*: إِنِّي حَافِظٌ* عَهْدِكَ، طَالِبٌ
عَفْوِكَ. فَإِنْ عَفَوْتَ فَأَنْتَ المَتَّقُضِلُّ* و أَنَا السَّاكِرُ و إِنْ
عَاقَبْتَ* فَأَنْتَ المُنْصِفُ و أَنَا المُسْتَسْلِمُ*.

مجرد

مزيد

التمرين الخامس

تَرْجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

- ١- الإِنْسَانُ مَخْلُوقٌ مِنَ التُّرَابِ و يَرْجِعُ إِلَى التُّرَابِ.
- ٢- اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ و غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ.
- ٣- المَؤْمِنُونَ يُدَافِعُونَ عَنِ المَظْلُومِينَ و يُحَارِبُونَ الظَّالِمِينَ.
- ٤- القرآنُ هُوَ الدَّلِيلُ*، يُرْشِدُ إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ.
- ٥- العَامِلُ بِالعِلْمِ كَالسَّائِرِ* عَلَى الطَّرِيقِ الوَاضِحِ.



- «اسم فاعل» بر انجام دهنده یا دارنده ی حالتی بودن دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت فاعلی» یا «اسم فاعل» است؛ مانند: ناصر: یاری کننده، مُنذِر: بیم دهنده
- صفت فاعلی در زبان فارسی دارای پسوندهایی از قبیل «نده، ا» است؛ مانند: بیم دهنده، دانا
- «اسم مفعول» بر «انجام شدن و یا واقع شدن» دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت مفعولی» یا «اسم مفعول» است؛ مانند: منصور: یاری شده، مُحترَم: احترام شده
- در ترجمه ی اسم مفعول گاهی از پسوند «شدن» استفاده می کنیم؛ مانند: مُستضعَف: ضعیف نگاه داشته شده

غلط های موجود در ترجمه های فارسی زیر را تصحیح کنید:

۱- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾

مؤمنان محققاً رستگار شدند... کسانی که از بیهوده دور شده اند.

۲- مُشَاوَرَةُ الْمُشْفِقِ الْجَاهِلِ حَظْرٌ.

مشورت کننده ی دلسوز نادان شده خطرناک است.

۳- ﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾

رسولان را جز بشارت شده و انداز شده نمی فرستیم.

۴- الْعَقْلُ مُصْلِحٌ كُلِّ أَمْرٍ.

عقل اصلاح شده ی هر کاری است.

۵- الْمُسْتَضْعَفُونَ هُمْ وَاثُونَ الْأَرْضِ.

ضعیف کنندگان همان وارثان زمین هستند.

ترجمه یک کار هنری است،

پس کارهای زیبا بیافرینیم!

مترجم امانت دار است. در

امانت خیانت جایز نیست!

کاستن و یا افزودن در ترجمه ی

عبارت ها، (بدون وجود ضرورت

خاصی) به اصالت کار ترجمه

خدشه وارد می کند.

ترجمه ی تحت اللفظ در

صورتی مقبول است که

روان و گویا باشد!

الف: شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شدید، اکنون هر یک از آن‌ها را با توجه به معنی آیات، در جای

خالی مناسب قرار دهید:

المُرْسَلِينَ، الْمُكذِّبِينَ، مُبَشِّرِينَ، مُنذِرِينَ

۱- ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ ... و ...﴾ (بقره / ۲۱۳)

خوانند پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده مبعوث کرد.

۲- ﴿فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِّنَ ...﴾ (شعراء / ۲۱)

[پروردگارم] به من دانش و حکمت بخشید و مرا از فرستاده‌شدگان قرار داد.

۳- ﴿فَنَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ ...﴾ (نحل / ۳۶)

بنابراین در زمین حرکت کنید و بنگرید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

ب: دو آیه‌ی زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (أحزاب / ۴۵)

ای پیامبر، ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم .

﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾ (کهف / ۵۶)

و ما پیامبران را جز بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نمی فرستیم.

سؤال: تفاوت میان «شاهدًا، مُبَشِّرًا» از لحاظ اشتقاق چیست؟

شباهت میان «مُرْسَلِينَ، مُنذِرِينَ» از چه جهتی است؟

در زمینه‌های زیر می‌توان مسابقاتی را تدارک دید:

۱- جمله‌سازی با واژه‌های معین

۲- سرعت در ساختن و یافتن موارد خوانده شده

در قسمت قواعد

۳- حضور ذهن در زمینه‌ی سؤال و جواب به زبان

عربی

۴- تعیین سریع‌ترین مترجم برای عبارت‌های عربی

۵- تعیین سریع‌ترین مترجم از فارسی به عربی

۶- ...

آیا تا به حال راجع به برگزاری مسابقه برای درس عربی فکر کرده‌ایم؟!

برگزاری مسابقه نشاط بیش‌تری را برای فهم دروس ایجاد می‌کند!

همیشه دقایقی از وقت کلاس را به برگزاری مسابقات اختصاص دهیم!

نظم و ترتیب و رعایت حقوق دیگران از مقدمات برگزاری مسابقات کلاسی است!